

برای اروپا، رئیس جمهور بعدی ایالات متحده یک شوک و یک کاتالیزور برای تغییر است

دولت دوم ترامپ مانند یک فاجعه برای منطقه اروپا به نظر می رسد. همچنین ممکن است - در نهایت - این قاره را از رکودش بیرون کند.

۱۲ نوامبر ۲۰۲۴

اگر اتحادیه اروپا یک طلسم داشت، آن شترمرغ بود. قرار دادن سر در شن و ماسه و امیدواری به ناپدید شدن مشکلات، سبک انتخابی اتحادیه اروپا است - تا آنجا که بلوک تجاری به برگزیت و از دست دادن دومین اقتصاد بزرگ خود در سال ۲۰۱۶ پاسخ داد و ... و مثل همیشه درگیر تجارت شد.

قاره ای که برخی از برانگیزاننده ترین شعارهای سیاسی خود را به جهان داد ("آزادی، برابری، برادری"، "ما هرگز تسلیم نخواهیم شد") اکنون از شعار آنگلا مرکل پیروی می کند: صبر کنید و ببینید.

اروپا گهگاه قادر به اقدام و عمل بوده است - گاه به دلیل خوش بینی (مانند ایجاد بازار واحد در دوران ژاک دلور در دهه ۱۹۹۰)، البته اغلب به دلیل ترس. ایجاد اتحادیه در دهه ۱۹۵۰ پاسخی (با تأخیر) به پوپولیسم و جنگ بود: تشکیلات خواهان راهی برای پیوند نزدیک تر آلمان و فرانسه بود. اخیراً قصد اتحادیه اروپا برای هزینه های دفاعی اندکی بیشتر، فقط به این دلیل اتفاق افتاد که ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه به یکی از همسایگانش حمله کرد.

با این حال، انتخاب مجدد دونالد ترامپ در ایالات متحده، یک تهدید وجودی برای زندگی عادی در بروکسل است. به هر حال (از دیدگاه اروپائیان) پوتین فقط یکی از اراذل و اوباش یک ابرقدرت ورشکسته است و این ترامپ است که کنترل بزرگترین اقتصاد جهان و محافظ موثر اروپا را به دست گرفته است.

ترامپ زمانی اتحادیه اروپا را «یکی از بزرگترین دشمنان آمریکا» توصیف کرد و تهدیدهایی که او به طور دوره ای در مبارزات انتخاباتی مطرح می کرد برای اروپا نگران کننده است: لغو حمایت از اوکراین، خروج از ناتو، اعمال تعرفه های ۲۰ درصدی بر واردات اروپایی (و حتی بیشتر از آن بر برخی خودروها). و تقریباً از هر اجلاس گفتگوی چندجانبه خارج می شود، به خصوص اگر کلمات "جهانی" یا "سبز" به آن پیوست شده باشد.

بسیاری از اینها واقعاً به اروپا آسیب خواهند زد. گلدمن ساکس تخمین می زند که حتی تعرفه ۱۰ درصدی، ۱ درصد از تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا را کاهش می دهد و آلمان ضربه شدیدی را متحمل می شود. واگذاری بخش زیادی از اوکراین به پوتین، اعضای اتحادیه اروپا، استونی، لتونی و لیتوانی را به خطر می اندازد. وادار کردن اتحادیه اروپا برای دفاع از کیف، یک لایحه قانون ناخوشایند به مالیات دهندگان این اتحادیه تحمیل می کند.

البته، به هر حال، ترامپ در اولین دوره ریاست جمهوری خود از سازمان پیمان آتلانتیک شمالی خارج نشد. خیلی چیزها بستگی به این دارد که رئیس جمهور جدید به کدام یک از درباریانش گوش دهد. در واقع، خود ترامپ به پوتین گفته است که جنگ در اوکراین را تشدید نکند و «حضور نظامی قابل توجه واشنگتن در اروپا» را به او یادآوری کرده است.

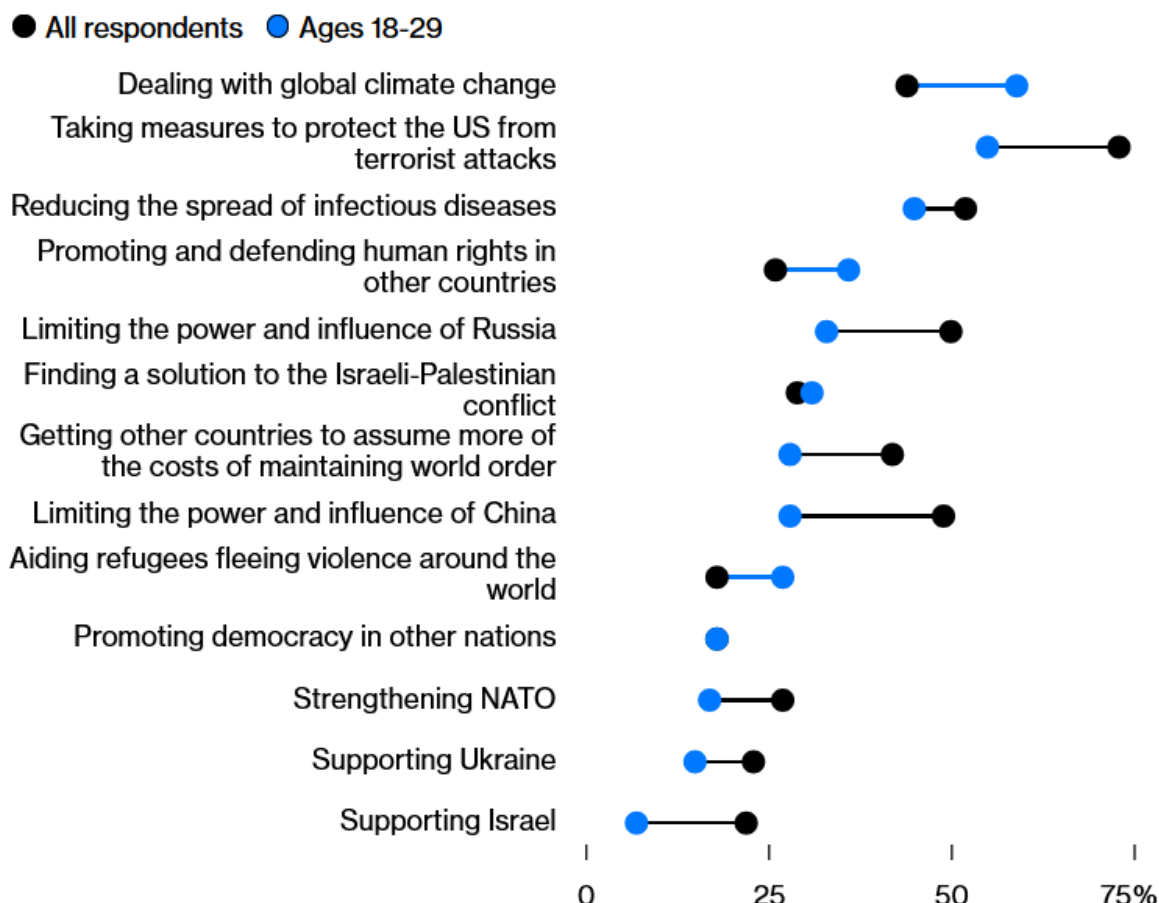
با این حال، برای رهبری اروپا عاقلانه نیست که تصور کند ترامپ ۴۷ به اندازه ۴۵ انعطاف پذیر است. این بار او توسط هر دو مجلس کنگره حمایت خواهد شد و دولت او مملو از مطلق گرایان MAGA خواهد بود. تعهد ترامپ به تعرفه ها (به قول یکی از ما، «زیباترین کلمه در زبان انگلیسی») واقعی به نظر می رسد. تعداد انگشت شماری از اروپایی هایی که ترامپ دوست دارد - ویکتور اوربان مجارستانی، جورجیا ملونی ایتالیایی و نایجل فاراژ، طرفدار برگزیت - بعید است به او بگویند که خودداری کند. حتی اگر ترامپ خواهان یک توافق باشد، سبک تراکنش پراکنده او در تضاد شدید با یوروکرات های اجماع محور و وسواسی است.

مهم تر از همه، این ترامپ قوی تر از سابق با اروپای بسیار ضعیف تری روبرو خواهد شد. در سال ۲۰۱۶، مرکل شکست ناپذیر بر آلمان حکومت کرد و امانوئل مکرون در حال تجسم مرکزگرایی در فرانسه بود. اکنون ماکرون ضعیف ترین مرد است و مرکل روزهایش را با خواندن شکسپیر می گذراند، در حالی که دولت جانشین او، اولاف شولتز، در روز تایید پیروزی ترامپ از هم پاشید. سر و صدای سیاسی اروپا به نظر می رسد از ترامپی ترین بخش خدمه می آید: اوربان، ملونی و مارین لوپن، که در صورت پیروزی درانتخابات ریاست جمهوری فرانسه در سال ۲۰۲۷، می تواند ترامپ اروپا شود.

علیرغم تمام ادعاهای ترامپ مبنی بر اینکه اروپایی های فریبکار اقتصاد خود را تقویت کرده اند و در عین حال از منافع واشنگتن استفاده می کنند، حقیقت این است که ایالات متحده اتحادیه اروپا را در گرد و غبار رها کرده است. تولید سرانه اروپا ۳۰ درصد کمتر از آمریکاست. تقریباً تمام صنایع آینده در ایالات متحده ساخته می شوند. در ۵۰ سال گذشته حتی یک شرکت اتحادیه اروپا با ارزش بازار بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار تأسیس نشده است. تنها چهار شرکت از ۵۰ شرکت برتر فناوری جهان اروپایی هستند. در سال ۲۰۲۳، اروپا تنها ۴،۵ درصد از کل بودجه دفاعی خود را صرف تحقیق و توسعه کرد، در مقابل ۱۶ درصد ایالات متحده.

آنچه آمریکایی ها می خواهند

سهم بزرگسالان آمریکایی که می گویند اهداف بلندمدت سیاست خارجی زیر باید در اولویت قرار گیرند



منبع: نظرسنجی مرکز تحقیقات پیو که از ۱ تا ۷ آوریل انجام شد

بیشتر این اعداد از گزارش ماه سپتامبر در مورد رقابت پذیری اروپا توسط ماریو دراگی، که هم به عنوان رئیس بانک مرکزی اروپا و هم به عنوان نخست وزیر ایتالیا خدمت کرده است، آمده است. همراه با برخی آمارهای وحشتناک، تکنوکرات کهنه کار طرحی برای اصلاحات ارائه کرد: سرمایه گذاری ۸۰۰ میلیارد یورو (۸۵۲ میلیارد دلار) در نوآوری. ادغام صنایع بیش از حد پراکنده مانند مخابرات، انرژی و امور مالی؛ ایجاد یک بازار واحد در خدمات (که در نهایت بزرگتر از تولید است). تعمیق بازارهای بدهی؛ و ارتقاء صنعت دفاعی داخلی

برای ذائقه ما، دراگی در مورد «سیاست صنعتی» بیش از حد ستاره است و بیش از حد حمایت گرایی دلسوز است. اما مشکل واقعی گزارش دراگی، مانند ایده‌های مشابهی که ماکرون با تأخیر مطرح می‌کند، این است که بیشتر این کارها باید دهه‌ها پیش انجام می‌شد. بازار واحد خدمات به سختی یک ایده جدید است.

اگر شترمرغ ها زحمت می کشیدند سرشان را از شن بیرون بیاورند، متوجه دو چیز می شدند. اول، ترامپ فقط به یک مشکل بسیار عمیق تر می افزاید. اروپا پیش از آمدن او در سال ۲۰۱۶ در حال غرق شدن بود. دموکرات ها ممکن بود در مورد فرهنگ اروپایی زبان به تحسین بگشایند، اما رئیس جمهور جو بایدن بیشتر تعرفه های اعمال شده توسط ترامپ را حفظ کرد. ایالات متحده به طور فزاینده ای به جای اروپا بر آسیا متمرکز شده است.

نکته دوم این است که ترامپ ممکن است کاتالیزوری باشد که اروپا به آن نیاز دارد تا وارد عمل شود. یک اتحادیه بانکی مدت هاست به تاخیر افتاده است. اکنون می توان آن را به عنوان راهی برای رقابت با وال استریت شناخت. راه اندازی صنایع سبز برای رقابت با چین و آمریکای ترامپیست حیاتی است و مزایای اضافی نجات کره زمین را ارائه می دهد. ادغام صنایع دفاعی (و وارد کردن بریتانیا به جمع) تنها راه برای بدست آوردن استقلال از ساکن جدید کاخ سفید است.

شترمرغ ها که متفرق شوند، یکی یکی از بین خواهند رفت - ابتدا توسط ترامپ، سپس چین و در نهایت لوپن. اما با متحد شدن در پشت یک طرح اصلاحی مشترک، آنها فقط قدرت خود را افزایش خواهند داد، زیرا هنوز دومین اقتصاد بزرگ جهان و قلب تپنده فرهنگی چیزی هستند که ما دوست داریم آن را "غرب" بنامیم. رئیس جمهور جدید علیرغم تمام بدگویی هایش، برای مقابله با مشکلاتی مانند چین و خاورمیانه، جایی که بریتانیا، فرانسه و دیگر قدرت های استعماری سابق هنوز ارتباطات و تخصص دارند، به کمک آنها نیاز دارد.

هیچ شکی وجود ندارد که حداقل در بدترین حالت خود، رئیس جمهور جدید ایالات متحده از منفجر کردن اتحادیه اروپا لذت می برد. بهترین انتقام اروپا از ترامپ این است که با انتخاب او به عنوان یک انگیزه برای حل مشکلاتش و تقویت موقعیتش در صحنه جهانی رفتار کند. اما برای انجام این کار، ابتدا باید سر خود را از ماسه بیرون بیاورد.